



دفتر مدیریت برنامه ریزی،  
بودجه و پایش عملکرد  
وزارت بهداشت درمان و  
آموزش پزشکی



## گزاره برگ<sup>۱</sup> بودجه هزینه شده برای مداخلات و اقدامات حوزه بهداشت

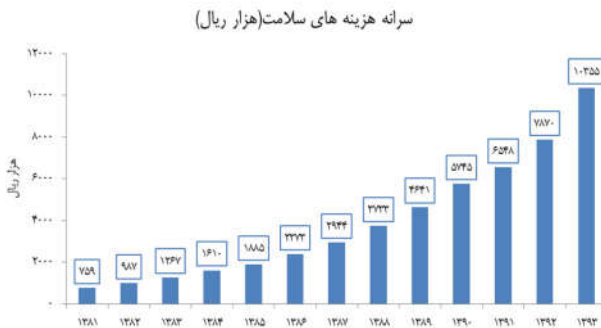
شاخص، الزاماً به معنی بهبود شرایط مردم یا مناسب بودن وضعیت نیست و ضرورت دارد تغییرات سرانه بخش خصوصی را که دربرگیرنده پرداختی مستقیم مردم برای هزینه‌های سلامت است نیز نسبت به سرانه بخش دولت عمومی در نظر بگیریم. نتایج بررسی حساب‌های ملی سلامت<sup>۵</sup> نشان می‌دهد که سرانه بخش خصوصی در سال‌های قبل از اجرای طرح تحول به‌طور متوسط ۱/۶ برابر سرانه بخش دولت عمومی بود و بعد از اجرا به ۱ رسیده است. بنابراین، افزایش سرانه هزینه‌های سلامت بعد از اجرای این طرح، در راستای کاهش پرداختی‌های مردم و انتقال آن به بخش دولت عمومی، منجر به حمایت از مردم در برابر هزینه‌های سلامت شده است.

پس از اجرای طرح تحول نظام سلامت در کشور، شاخص‌های بودجه و شاخص‌های اقتصادی مطرح در سطح بین‌المللی، با چه تغییراتی مواجه شده‌اند؟ آیا حرکت ایجادشده در بخش سلامت (اجرای طرح تحول سلامت) در مسیر بهبود شاخص‌های یاد شده قرار گرفته است یا خیر؟

در پاسخ به این‌گونه سؤالات، لازم است به بررسی سه شاخص سرانه کل هزینه‌های سلامت<sup>۲</sup>، سهم هزینه‌های سلامت کل از تولید ناخالص داخلی<sup>۳</sup> و درصد بودجه بخش سلامت از بودجه دولت<sup>۴</sup> بپردازیم.

### ۱. سرانه هزینه کل سلامت

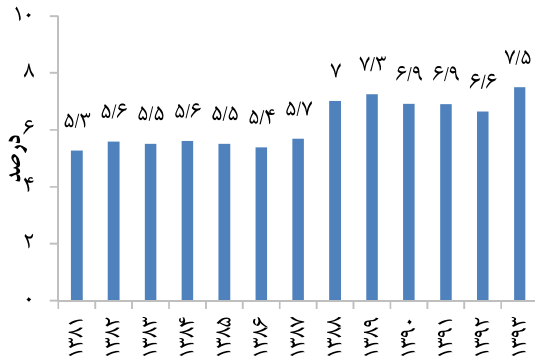
سرانه هزینه کل سلامت، بیانگر متوسط پول به‌چرخش درآمده به‌ازای هر شهروند، در نظام سلامت هر کشور است. این شاخص از نسبت کل چرخش مالی در نظام سلامت کشور در یک سال (تأمین‌شده توسط بخش دولت داخلی، بیمه‌ها یا بخش خصوصی) به کل جمعیت همان سال به دست می‌آید. نمودار شماره ۱، بیانگر سرانه هزینه‌های سلامت (به قیمت ثابت و برحسب هزارریال) در طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ است. براساس این نمودار، سرانه هزینه‌های سلامت پس از اجرای طرح تحول سلامت به ۱۰،۳۵۵ هزارریال رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۲ با مقدار ۷،۸۷۰ هزارریال، حدوداً ۳۲ درصد افزایش یافته است. این سرانه از بخش‌های مختلفی از قبیل دولت عمومی و بخش خصوصی (پرداختی مستقیم مردم از جیب و سایر بخش‌های خصوصی) تأمین می‌شود؛ لذا ممکن است این برداشت از سوی منتقدین صورت گیرد که بالا رفتن این



نمودار شماره ۱. سرانه هزینه‌های سلامت برحسب هزارریال، طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳



حال آن که در صورت ادامه روند افزایشی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹، سهم هزینه‌های سلامت از تولید ناخالص داخلی، به بیش از ۷/۵ درصد می‌رسید.



نمودار شماره ۲. سهم کل هزینه‌های سلامت از تولید ناخالص داخلی از ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳

### ۳. درصد بودجه خدمات سلامت از بودجه دولت

این شاخص از نسبت بودجه بخش سلامت به کل بودجه دولت به دست می‌آید و تغییرات آن به معنی افزایش و کاهش اولویت بخش سلامت نسبت به سایر بخش‌ها برای دولت است. نمودار شماره ۳ که بیانگر درصد نسبت بودجه دولتی سلامت به بودجه کل دولت طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ است، نشان می‌دهد این درصد در پی اجرای طرح تحول در سال ۱۳۹۳، نسبت به متوسط آن در طی یک دهه قبل از اجرای طرح تحول، تقریباً ۷ درصد افزایش یافته است. در واقع از متوسط ۹ درصد در طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ به ۱۶/۲ در سال ۱۳۹۳ رسیده است. تأمین این هزینه‌های افزایش یافته در بخش سلامت از سه منبع اصلی صورت گرفته است که عبارت‌اند از:

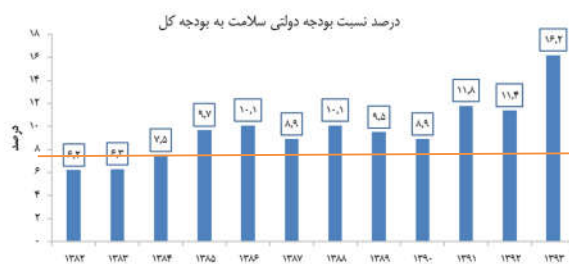
## ۲. هزینه‌های سلامت کل به‌عنوان درصدی از تولید

### ناخالص داخلی

تولید ناخالص ملی، مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده طی یک دوره (یک سال) در داخل یک کشور است. سهم سلامت از تولید ناخالص داخلی یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها محسوب می‌شود. این شاخص در واقع بیانگر میزان توجه به بخش سلامت است، چرا که سلامت شهروندان و داشتن زندگی سالم و مطمئن و امیدوار به آینده، هدف اساسی نظام‌های اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود. نتایج بررسی حساب‌های ملی سلامت<sup>۱</sup> و همچنین گزارش‌های بانک مرکزی در مورد تولید ناخالص داخلی که در نمودار شماره ۲ ارائه شده است، نشان می‌دهد که سهم کل هزینه‌های سلامت، از ۶/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۷/۵ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده و در واقع ۱۳ درصد افزایش یافته است. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا سهم هزینه‌های سلامت در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۸۹، تنها ۰/۲ درصد افزایش یافته است؟ نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که در طول دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ این شاخص با یک روند متعادل و افزایشی روبه‌رو بوده که در انتهای آن، یعنی در سال ۱۳۸۹ به ۷/۳ درصد رسیده است. سپس با تأثیر اتفاقات نامتعارف، نظیر افزایش نرخ ارز، افزایش نرخ تورم و کاهش سهم سلامت در سبد خانوار و در نتیجه کاهش استفاده از خدمات سلامت، به‌ویژه در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، این روند به‌صورت کاهشی شکل گرفته، که این خود به‌منزله مانعی در مقابل افزایش چشم‌گیر شاخص در سال ۱۳۹۳ عمل کرده است.



۱. رشد بودجه وزارت بهداشت به میزان ۳۶ درصد؛ ۲. رشد بودجه بیمه سلامت به میزان ۶۵ درصد؛ ۳. ایجاد بودجه تحول سلامت، به صورت افزایش ۱ درصد نرخ مالیات بر ارزش افزوده و اختصاص آن به بخش سلامت و نیز اختصاص ۱۰ درصد از درآمدهای دولت از محل اجرای مرحله سوم قانون هدفمندی یارانه‌ها.



نمودار شماره ۳. درصد نسبت بودجه دولتی سلامت به بودجه کل

دولت طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳

### نتیجه‌گیری

مسائل مربوط به نظام سلامت که در قلمروی خدمات دولت قرار می‌گیرند را نمی‌توان با دیدگاه اقتصاد محض سنجید و تحلیل کرد؛ چرا که سلامت کالایی ضروری است و بر این اساس تأمین مالی آن، از اولویت‌های اصلی دولت‌ها قرار می‌گیرد.

بررسی‌های صورت گرفته در خصوص شاخص‌های ۱. سرانه هزینه‌های سلامت؛ ۲. درصد نسبت بودجه خدمات سلامت از بودجه دولت؛ ۳. سهم هزینه‌های کل سلامت از تولید ناخالص داخلی؛ بیانگر اقدام مؤثر دولت در راستای مسئولیت خود در مورد تأمین سلامت مردم به عنوان کالایی ضروری و در اولویت قرار دادن بخش سلامت نسبت به سایر بخش‌ها است. همچنین باید توجه داشت که ارتقاء این شاخص‌ها منجر به بهبود جایگاه سلامت کشور در مقایسه با کشورهای هم‌منطقه (مدیترانه شرقی) و هم‌درآمد (درآمد متوسط رو به بالا) خواهد شد.